

سعید روستایی در «متری شیش و نیم» یا همان «ابد و یک روز ۲» قاچاقچی را در جایگاه مصلح اجتماعی می‌نشانند

مصلح اشتباهی

مصائب ضدقهرمان دوست



دبیر سرویس

حالا هر چه می‌خواهند اسمش را بگذارند: «شخصیت بد، منفی، بدمن یا آنتاگونیست»، در «متری شیش و نیم»، ناصر خاکزاد شیشه‌فروش میلیاردر، در جایگاه آنتاگونیست فیلم است. سعید روستایی در دومین فیلم خود و برای تک‌تک شخصیت‌های فیلم، همان رویه پیشین عدم قضاوت نسبت به آدم‌ها را جای گذاری کرده است. فیلمساز، ناصر خاکزاد (با بازی نوید محمدزاده) را به دام پلیس (با بازی پیمان معادی) گرفتار می‌کند تا لحظه به لحظه مخاطبان را با این شخصیت همراه کند و بگوید با یک ناصر خاکزاد خبیث، طرف نیستید. واضح است که انتظار داشته باشیم باید از شخصیت منفی فیلم متنفر شویم و حتی آرزوی مرگ و نابودی هرچه زودتر برای ناصر خاکزاد را داشته باشیم؛ اما روستایی نمی‌خواهد شخصیت‌های خوب و بد فیلم سیر طبیعی خودشان را طی کنند و در لحظات مختلف فیلم، دست فیلمساز در تطهیر رفتارهای ناصر خاکزاد دیده می‌شود. دوربین در «متری شیش و نیم» با رفتن سراغ جزئیات مساله اعتیاد، در جایی ایستاده که شکل مستند و اظهار واقع‌نمایی تقویت شود. زاویه این دوربین هراسان از معتادانی که شبیه زامبی‌های بی اختیار شدند در پناه شخصیت‌پردازی قاچاقچی میلیاردر قصه، گیر می‌کند. با قفل ماندن دوربین روی کنش‌های ناصر خاکزاد، مخاطب تاحدی به درون جریانی از زندگی این فرد می‌رود که با خانواده و خودش همذات‌پنداری می‌کند و دوستش خواهد داشت. نقطه اوج آن هم در سکانس پایانی فیلم مشهود است که حتی از اینکه قرار است شیشه‌فروش میلیاردر، اعدام شود ناراحت هستید یا وجودی که می‌دانید پیش از اینکه به دست پلیس بیفتد هم قصد خودکشی داشت. شاید گفته شود که این مدل طراحی شخصیت منفی، نمونه‌های خارجی سینمایی همچون وینو کلوئرته «پدرخوانده»، جان دوو در فیلم «هفت» را دیده‌ایم اما سعید روستایی، حتی کپی‌برداری درستی از این شکل طراحی نداشته است. مرز بین قهرمان و ضدقهرمان در «متری شیش و نیم» محو شده و همین منجر به شکل‌گیری ضدقهرمانی دوست‌داشتنی و البته ترحم‌انگیز شده که نتیجه منطقی این حس ترحم، موجه کردن اعمال ناصر خاکزاد و تقویت گزاره عدم قضاوت نسبت به رفتار او است. این مدل پرداخت سینمایی، نشانه‌های جریان فیلمسازی نه‌چندان نوظهوری در سینمای ایران است که از خلق درام به معنای واقعی و دقیقش ناتوان شده و تلاش می‌کند با ایستادن در میانه میدان، یک جذابیت نسبی گرایانه را در فیلم القا کند. میانه ایستادن و بلند فریاد زدن اینکه همه آدم‌های قصه من حق دارن و اینکه اگر شما هم جای ناصر خاکزاد بودید، مثل اورتار می‌کردید. تقویت گزاره عدم قضاوت نسبت به فساد قاچاقچی میلیاردر در سکانس‌های دادگاه و مکالمه‌هایی بین ناصر خاکزاد و قاضی (با بازی فرهاد اصلانی) هم دیده می‌شود. فیلمساز با آوردن قصه فرعی جدل پلیس (با بازی پیمان معادی) و همکارش و غیر افتادن او به دلیل نقض احکام قانونی، به نوعی دیگر، سست بودن محکمه قضاوت را تقویت می‌کند. در این بخش از فیلم هم مرز دقیقی بین احکام ظاهری و اخلاقیات مبنایی شکل نمی‌گیرد و حتی پا را فراتر گذاشته و جایگاهی نشان می‌دهد که کنش‌های انسانی مجریان قانون هم در دام احکام ظاهری قانون گرفتار و منجر به بد اخلاقی می‌شوند. «متری شیش و نیم» با فریب و ادعای بزرگ قضاوت نکردن نسبت به دیگران حرفش را شروع می‌کند ولی پا را از این هم فراتر گذاشته تا قاچاقچی میلیاردر را در حد یک مصلح اجتماعی بالا می‌برد. مصلح اجتماعی که اگرچه زندگی هزاران نفر را به نابودی کشانده ولی برای خانواده‌اش، فضای امن و آرامش‌بخش پول هایش رقم زده است تا دیگر زندگی و آینده‌ای شبیه خودش نداشته باشند.

ساختن چهره یک فرشته از قاچاقچی



روزنامه‌نگار

شاید تصور عمده این است که آدم‌های شرور در خیلی از فیلم‌های سینمای آمریکا و تعدادی از آثار گانگستری فرانسه، بارها با چهره‌ای همدلی برانگیز نمایش داده شده‌اند و حتی دیده شده که آنها در آخر بعضی قصه‌ها موفق شده‌اند کارشان را به سرانجام برسانند؛ اما حقیقت این است که مطابق منافع ملی همان کشورها و قوانین نامحسوس سانسور، آزادی در نمایش چنین چهره‌هایی بی‌حد و حصر نیست و چارچوب مخصوصی دارد. نمایش پلیس فاسد یا حتی مجموعه‌ای از پلیس‌های فاسد ممنوع نیست، اما نه‌ایتاً گره ماچر باید در دل همان سیستم باز شود. افراد شرور حق ندارند در قاچاق کالا یا مواد مخدر، یک پروژه را با موفقیت به سرانجام برسانند. عمده فعالیت‌هایی که چنین اشخاصی مجاز هستند در انجام‌شان موفق باشند، مربوط به سرقت از سرمایه‌داران یا بانک‌هاست. بانک‌ها یا جواهرفروشی‌ها و موزه‌های بزرگ، همگی جزء نمادهای جریان سرمایه‌داری هستند و کشورهایی که چنین نظامی بر آنها حاکم است، با انگیزه امتیزه کردن اراده‌های ضدسرمایه‌داری در اجتماع و به عبارتی فردی کردن حس نفرت از سیستم، به چنین فیلم‌هایی مجال حمله به نمادهای سرمایه‌ر می‌دهند و این دست حرکت‌ها به شکلی سوپاپ احرافی و تخیل‌برانگیز هستند که انرژی اعتراضی مخاطبان را در سینما و توسط قهرمان‌هایی که حتی یک درصد از مردم هم نمی‌توانند جای آنها باشند، تحقیر می‌کنند. اما قاچاق مواد مخدر یا حتی قاچاق کالا، خط قرمزهایی به حساب می‌آیند که اگر کسی در فیلم قهرمان باشد، حق ندارد از آنها عبور کند. در سینمای آمریکا کسر قابل توجهی از فیلم‌های گانگستری، با محوریت یک شخص امنیتی ساخته می‌شوند که خودش حالا با سیستم، تناقضاتی پیدا کرده است. البته آن شخص نه‌ایتاد در خدمت منافع ملی کشورش قرار می‌گیرد اما این سرکشی و شورش می‌تواند فرصتی بدهد که فیلمسازها از جذابیت قهرمان‌های فراری و ضدسیستم هم بهره ببرند و عطش این قضیه کمی فروکش کند. به عبارتی دعوای اصلی سر این است که کدام‌یک از اینها واقعا در خدمت کشور هستند؛ مدیران سیستم یا بعضی از فرزندان سرکش همین سیستم؟ در سینمای هند نه تنها هیچ شوروی حق ندارد در انتهای فیلم پیروز شود، بلکه هجمه به اصلی‌ترین نماد سرمایه‌داری؛ یعنی بانک هم باید خارج از کشور اتفاق بیفتد و هیچ گاه پلیس هند در متوقف کردن یک عده سارق، ناموفق نشان داده نمی‌شود. در سینمای هندوستان حتی وقتی دوربین به خارج از کشور می‌رود، فقط بانک‌هایی می‌توانند مورد تعرض قرار بگیرند و موزه‌ها و جواهرفروشی‌ها امن هستند. در یک کلام فیلم‌های گانگستری، اکشن، ابرقهرمانی، پلیسی و انواع و اقسام آثاری که با چنین فضاهایی مرتبط هستند، اگر به آنتاگونیای قصه نزدیکی همدلانه پیدا کنند، آن آنتاگونیای باید «معتز» باشد نه «منفی». ساختن چهره یک فرشته از قاچاقچی‌ها، به‌خصوص قاچاقچی‌های مواد مخدر، در تمام سینمای جهان ممنوع است.



روزنامه‌نگار

«متری شیش و نیم» دومین ساخته بلند سعید روستایی و در ادامه مضمون فیلم قبلی او «ابد و یک روز» است؛ سوژه‌ای اجتماعی درمورد مواد مخدر و اعتیاد که در قالبی پلیسی روایت می‌شود. تقابل دو برادر ابد و یک روز (مرتضی با بازی پیمان معادی و محسن با بازی نوید محمدزاده) در نقش متری شیش و نیم هم در جایگاه پلیس (صمد) و توزیع کننده مواد مخدر (ناصر) شکل می‌گیرد و سمیه (پریناز ایزدیار) هم که در فیلم گذشته روستایی در نقش خواهر این دو برادر بود در «متری شیش و نیم» نامزد نوید است، اما تقریباً می‌توان گفت به نوعی شکلی از همان روابط ابد و یک روز در این فیلم هم وجود دارد. متری شیش و نیم براساس قاعده کلاسیک تقابل خیر و شر، درام خود را به جلوی می‌برد اما شخصیت‌های دو طرف این نزاع شبیه کاراکترهای کلاسیک خیر و شر نیستند. نه پروتاگونیست (پلیس) داستان سفید مطلق است و نه آنتاگونیست (توزیع کننده مواد) سیاه مطلق. هر دو خاکستری‌اند و همین خاکستری بودن شخصیت‌ها به باور بدیری آنها توسط مخاطب هم کمک زیادی کرده است. به هر حال درام بین این دو شکل می‌گیرد و برخی صحنه‌های فیلم از جمله گفت‌وگوی صمد و ناصر در روز جون بهترین بازی‌ها و سکانس‌های فیلم است. خاکستری نشان دادن آنتاگونیست درحدی که به جلوبردن درام کمک کند به سینمایی‌تر شدن اثر می‌انجامد، اما به نظر می‌رسد همین نقطه‌قوت فیلم در ادامه به پاشنه آشیل فیلم تبدیل می‌شود. کارگردان برای برانگیختن احساسات مخاطب و همذات‌پنداری و همراهی او با شخصیت منفی داستان در ورطه افراط می‌افتد و به نحو افراط‌گونه‌ای تلاش می‌کند تا شخصیت بدمن ماجرا را به خوبی به تصویر بکشد. ناصر خاکزاد با بازی نوید محمدزاده به جز توزیع مواد مخدر، عاشقی با یک‌باخته است که با تمام محبتی که نثار محبوسش کرده، قربانی خیانت او شده و محل اختفای او هم توسط همین دختر لو رفته است. ناصر عاشقی بسیار خوش اخلاق است و تنها نقطه ضعف شخصیتی‌اش این است که نمی‌تواند با کلاس صحبت کند و شب‌ها هم با کشش می‌خوابد. او فرزند، برادر و دایی مهربانی است که در پی نجات خانواده‌اش از فقر و فلاکت و رساندن آنها به رفاهی نسبی، منزلی خوب و دیوار به دیوار کاخ سعدآباد برای پدر و مادرش گرفته و فرزندان خواهرش را به کانادا فرستاده تا درس بخوانند و انسان‌های فرهیخته‌ای شوند. حتی زمانی که به حکم دادگاه قرار است اموال او مصادره شود از قاضی خواهش می‌کند تا این دو دختر از کانادا بازگردانده نشوند چرا که اگر برگردند دچار منجلابی می‌شوند که او در پی نجات آنها از آن بوده است. اما خوبی‌های توزیع کننده مواد مخدر، فیلم به اینجا ختم نمی‌شود. اوردای یک مصلح اجتماعی به تن می‌کند و در صحنه‌های مختلف بازجویی و دادگاه و بازداشتگاه، منطق سیستم و نقاط ضعف و خلل و فرج ساختار را به رخ نمایندگان آن می‌کشد. از خلاهای قانون می‌گوید و از حقوق شهروندی متهم و مجرم دفاع می‌کند. در مقابل، «صمد» (نقش مثبت فیلم) در زندگی خانوادگی خود دچار مشکل است. از همسرش جدا شده و دوباره به اورجوع کرده است اما مخاطب تا آخر فیلم هم متوجه نمی‌شود که این بازگشت به خاطر شرط تاهل برای ترفیع درجه او است یا خیر. پلیس به اصطلاح خوب داستان روستایی با خودخواهی و به‌طور ظالمانه‌ای رفیق و همکارش را در موقعیت محکومیت قرار می‌دهد و با مجرمان هم رفتار انسانی و اخلاقی ندارد و تنها نکته مثبت شخصیتی‌اش رشوه نگرفتن و دکاوت او در انجام ماموریتش است. تلاش‌های بی‌وقفه کارگردان در سلب تقصیر از کاراکتر منفی، تعادل این دو شخصیت در طول فیلم را به هم می‌زند و به روایت اثر لطمه وارد می‌کند. نوع روایت فیلمساز به نحوی است که شخصیت مثبت را به کنج بی‌توجهی و انفعال می‌برد. اوج این برکنار بودن در سکانس پایانی نمایان می‌شود. زمانی که تماشاچی با احساسات جریحه‌دار شده در هول و ولای اعدام ناصر و همدلی با او است، «صمد» نظاره گر و فارغ از ماجراست.

در روایت فیلمساز سرنوشت نقش منفی «متری شیش و نیم» ارتباطی با اراده و اختیار او ندارد و محصول جامعه و ساختار است. روستایی این پایان محتوم را مختصر به «ناصر خاکزاد» قرار نمی‌دهد و سرنوشت پسر ۱۲ ساله‌ای که نمادی از نسل آینده این جامعه هست را هم نتیجه شرایط اجتماعی و خانوادگی می‌آی داند که گریزی از آن نیست.

چارسو

ادعای ممنوع‌الفعالیتی مهدی یراحی



مهدی یراحی، خواننده موسیقی پاپ با انتشار متنی در کانال اختصاصی خود مدعی شد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا اطلاع ثانوی او را از هرگونه فعالیت رسمی هنری منع کرده است. در متن منتشر شده از سوی مهدی یراحی آمده است: «اینجانب مهدی یراحی، توسط مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا اطلاع ثانوی عملاً از هرگونه فعالیت رسمی هنری منع شده‌ام. به همین دلیل مجوزهای اجرای من در تمامی کنسرت‌های تهران و شهرستان‌ها (از جمله تور جشنواره رفاه «برقاره») لغو شده است. فارغ از تمامی خسارات مادی و معنوی تحمیل شده، قطعاً بزرگ‌ترین ضایعه این محدودیت برای من، محروم ماندن از دیدار شما مخاطبان عزیز است.» براساس این گزارش مهدی یراحی همزمان با انتشار این متن تیزر تازه‌ترین اثر خود به نام «انکار» به‌عنوان آخرین اثر از آلبوم «سه گانه اجتماعی اول» را هم منتشر کرده و خبر از انتشار قریب‌الوقوع این اثر موسیقایی داده است. برپایه این گزارش، چندی قبل تیزری از مهدی یراحی با توجه به آلبوم جدیدش پخش شد که باعث شد وزارت ارشاد نسبت به این کلیپ واکنش نشان دهد و بگوید اجازه این کلیپ صادر نشده است و مهدی یراحی برای صدور مجوز متن دیگری به آنها تحویل داده است. دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هنوز موضعی درباره اظهارات جدید مهدی یراحی نداشته است.

«سریع و خشمگین» در تبلیغات از «رابین هود» جلو زد



بنابر اعلام کمپانی «آی اسپات دات تی وی» فیلم «سریع و خشمگین: هابز و شاو» برای دو مورد تبلیغ این فیلم حین مسابقات «سوپر بول» در شبکه‌های «سی‌بی‌اس» و «ای‌اس‌بی‌ان» مبلغ ۱۰ میلیون و ۴۸۰ هزار دلار پرداخت کرده است. فیلم «رابین هود» با رقم ۷ میلیون و ۸۸۰ هزار دلار در جایگاه دوم قرار داشته و انیمیشن سینمایی «چطور اذهایت را تعلیم بدهی: دنیای پنهان» نیز با صرف هزینه ۷ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار برای تبلیغات این فیلم به تعداد ۱۳۶۰ مورد در ۵۱ شبکه جایگاه سوم پرهزینه‌ترین آگهی تلویزیونی را به خود اختصاص داد. فیلم‌های «کاپیتان مارول» و «انتقام‌جویان: بازی آخر» در شبکه‌های اجتماعی و ۲۰۰ هزار دلار، «داستان اسباب‌بازی» با چهار میلیون و ۵۰۰ هزار دلار در رتبه‌های بعدی این فهرست قرار دارند. در این میان فیلم «کاپیتان مارول» بهترین بازدید را داشته و با ثبت رکورد ۹۱ درصد کمترین تغییر کانال و شبکه را حین پخش آگهی‌اش داشته است. «انتقام‌جویان: بازی آخر» در شبکه‌های اجتماعی در زمان آگهی‌های بین بازی‌های «سوپر بول» توانست ۳۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تایید (لایک) دریافت کرده و توسط ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر هم به صورت آنلاین دیده شود. «کاپیتان مارول» نیز ۱۷۸ میلیون تایید در شبکه‌های اجتماعی داشته و توسط دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر هم به صورت آنلاین دیده شده است.

حضور نرگس آبیبار در برنامه نادر طالب‌زاده



بهرروز افخمی و نرگس آبیبار میهمان نادر طالب‌زاده در جدیدترین برنامه تلویزیونی «عصر» هستند. سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر در حال برگزاری است. نادر طالب‌زاده این هفته در برنامه «عصر» فیلم‌های این دوره از جشنواره را با حضور بهروز افخمی، نرگس آبیبار و محمدرضا شفاه بررسی می‌کند. نرگس آبیبار امسال با فیلم «شبی که ماه کامل شد» به جشنواره آمده و محمدرضا شفاه نیز با فیلم «دیدن این فیلم جرم است» را تهیه کرده است. برنامه تلویزیونی «عصر» پنجشنبه ساعت ۲۲ به صورت زنده از شبکه افق پخش می‌شود. فیلم «شبی که ماه کامل شد» امسال در جشنواره فیلم فجر اکران شده است و استقبال زیادی از این فیلم توسط مخاطبان صورت گرفته است، فیلمی که به موضوعی جدید پرداخته و زندگی خانواده ریگی را به تصویر کشیده است. در روزهای گذشته مطالبی در فضای مجازی و رسانه‌ای پخش شد که خانواده ریگی نسبت به ساخت این فیلم و محتوایش اعتراض کرده‌اند، اما قاسمی، تهیه‌کننده فیلم هرگونه اعتراضی را رد کرد و گفت چنین مساله‌ای صحت ندارد. این فیلم تا الان استقبال منتقدان، رسانه‌ها و مردم را به خود جذب کرده و تاکنون عنوان دوم فیلم‌های مردمی را از آن خود کرده است.

اعضای هیات‌مدیره موسسه «تصویر شهر» معرفی شدند



مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره موسسه تصویر شهر با حکم رئیس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران معرفی شدند. سعید اوحدی، رئیس هیات‌مدیره با حضور در این موسسه و طی احکامی، هیات‌مدیره و مدیرعامل موسسه تصویر شهر را معرفی کرد. در این نشست، حسن خجسته به‌عنوان رئیس هیات‌مدیره و برنا فیروزی، محمد احسانی‌زاده، محمدرضا فرجی و هاشم میرزاخانی به‌عنوان اعضا معرفی شدند. در ادامه با نظر هیات‌مدیره، هاشم میرزاخانی به‌عنوان نایب‌رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل موسسه منصوب شد. حسن خجسته از اساتید و مدیران ارشد فرهنگ و عضو شورای پروانه نمایش آثار سینمایی، محمد احسانی‌زاده معاون اسبق اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی و مدیر شبکه «نسیم»، برنا فیروزی مشاور اجرایی و رئیس حوزه ریاست رسانه ملی و محمدرضا فرجی مدیرکل سینمای حرفه‌ای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اوحدی طی سخنانی دست‌یابی به سینمای متعهد، انقلابی و دینی و ضرورت پرداختن به مضامین والا در روند جامعه‌سازی دینی با توجه به اساننامه و مساعدت کلیه اعضای محترم هیات‌مدیره را نسبت به حمایت از تولیدات فرهنگی، هنری ارزشمند، توسعه و ارتقای سطح کیفی مراکز نمایشی و نیز جذب مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در تولید آثار فاخر خواستار شد.